**رویکردهای آموزش و پرورش به هویت ملی و پیامدهای محتمل**

فروزنده جعفرزاده پور

چکیده

صاحبنظران بر این باورند که وظیفه اصلی نهاد آموزش و پرورش در هر کشوری تربیت افرادی متعهد و متعلق به جامعه ملی است. هویت ملی بر پایه تعهد و تعلق به جامعه ملی استوار است که در کنار مفهوم انسجام اجتماعی دو روی یک سکه هستند بر ارتباط وثیق فرد به جامعه ملی تاکید داشته و لازم است در دوران هویت یابی مورد بیشترین توجه قرار گیرند. توجه به اهمیت تقویت انسجام اجتماعی و هویت ملی برای حاکمیت و لزوم تربیت افرادی که به دین اسلام و مبانی نظام متعهد باشند، بسیار حیاتی است. مسئله و هدف اصلی مقاله حاضر شناسایی رویکردهای آموزش و پرورش نسبت به هویت ملی و پیامدهای محتمل آن است. این مطالعه با استفاده از روش کیفی مطالعه اسنادی (بررسی اسناد بالادستی آموزش و پرورش شامل سند تحول و اهداف کلان)، تلاش کرده تا وضعیت موجود توجه به هویت ملی را ترسیم نموده و پیامدهای محتمل این رویکرد را تبیین نماید. مطالعه نشان می دهد که هویت ملی (اسلامی ایرانی)، در کشور ما هویتی ترکیبی بوده و برای تقویت آن ضروری است که ابعاد آن به صورت همزمان تقویت شود. این در حالی است که تاکید بسیار زیاد آموزش و پرورش در اسناد بالا دستی و کتابهای درسی بر تقویت نامتوازن ابعاد هویت ملی می باشد چنین وضعیتی مانع از ایجاد انسجام اجتماعی و تقویت هویت ملی شده است.

کلید واژگان: هویت ملی، آموزش و پرورش، سند تحول، هویت دینی

**بیان مسئله**

هویت دارای انواع و مراتب مختلفی است و به طور کلی در دو سطح فردی و جمعی دسته بندی شده است. «یکی از جامع ترین بخشهای هویت جمعی، «هویت ملی» است که فراگیرترین و در عین حال مشروع ترین سطح هویت در تمامی نظامهای اجتماعی است» (حاجیانی 1379 به نقل از لقمان نیا و خامسان، 1389: 148). اگر آگاهی از هویت ملی در جامعه ای وجود نداشته باشد یا به شکل ناقص و سطحی باشد، افراد آن جامعه از نقش خود در تداوم و حفظ کشور باز خواهند ماند و تعهدی به آن نخواهند داشت (جعفرزاده پور، 1389: 32). منشا بسیاری از باورها و نگرشهای افراد برخاسته از تفکراتی است که در دوران کودکی ابتدا در خانواده و پس از آن در نهاد مدرسه به صورت رسمی و غیر رسمی به آنان آموخته می شود. کوهن معتقد است مدرسه تنها مکانی برای یادگیری مهارتها نیست، بلکه مکانی برای یادگرفتن میهن پرستی است (به نقل از میلر، 1386). برخی از صاحبنظران بر این باورند مهمترین کارکرد و وظایف آموزش و پرورش در هر جامعه ای تربیت افرادی است که خود را متعهد به جامعه ملی بدانند. آنان در اهمیت نقش آموزش و پرورش در حوزه هویت یابی تا آنجا پیش رفته اند که تنها وظیفه این نهاد را تربیت افرادی متعهد به میهن و حافظ منافع ملی (و دینی) ذکر کرده اند.

نظام آموزش و پرورش در جهان كنوني، وظايف و كاركردهاي مختلفي را به طور آشكار و نهان به عهده دارد و ابزار تحقق اهداف و مقاصد اجتماعي به شمار مي‌رود. كاركردهاي آن به حدي است كه جوامع مختلف انتظار دارند كه اين نهاد پاسخگوي نيازهاي معنوي و مادي آنان باشد و به عنوان يك عامل، تحقق نيازهاي فردي و اجتماعي و رشد و توسعه فرهنگي – سياسي و اقتصادي جامعه را ممكن كند. دورکیم اعتقاد دارد که آموزش و پرورش ابزاری برای رسیدن به انسجام اخلاقی است که از طریق آن، هنجارها و ارزشهای جامعه از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود (سازگارا، 1388: 158). بدین ترتیب از مهمترین وظایف یک حکومت در حوزه تعلیم و تربیت نسلها ایجاد و تقویت هویت ملی است. چنانچه نظام آموزش و پرورش نتواند افراد را به هویت ملی شان معتقد و علاقه مند سازد، چه بسا با خطر سرکوبی هویت خویش و روی آوردن کامل به دیگر هویتها رو به رو شویم (طالبی، 1387 به نقل از ایزدی و دیگران، 1388: 118) به باور گیدنز هدف آموزش در هر جامعه به شدت تفکیک شده، تنها ورزیده کردن کودک در مهارتهای مختلف نیست، بلکه در سطح بنیادی تر متوجه تمایلات عام شخصیتی است (گیدنز، 1363: 67). آینده هر جامعه ای پیوندی استوار با نوع تعریف و تجربه هویتی خواهد داشت که افراد جامعه در دوران هویت یابی با آن مواجه میشوند. بدین معنا که ایجاد احساس تعلق و تعهد به جامعه ملی از دوران کودکی و بالاخص دوران نوجوانی و هویت یابی موجب تقویت هویت ملی شده و بالعکس.

بر مبنای مطالب پیش گفته، می توان اظهار داشت که علم آموزی به فراگیران اولویت دوم نهاد آموزش و پرورش بوده و تقویت هویت ملی و ایجاد تعلق و تعهد به جامعه ملی (و دینی) را باید مهمترین وظیفه و اولویت نخست در آموزش و پرورش محسوب شود. به عبارت دیگر«در حالی که در نگاه نخست به نظر می رسد که وظیفه نهاد آموزش، تعلیم و علم آموزی به گروه مخاطب است، ولی حقیقت پنهان این است که مهمترین و اساسی ترین ماموریت این نهاد در هر جامعه تربیت انسانهای علاقه مند به وطن و آگاه از ارزشهای ملی (و دینی) و متعهد و متعلق به کشور (و دین) است. انسانهایی که چنین ویژگی هایی را دارند، قادر خواهند بود علمِ آموخته خویش را برای توسعه و سعادت ملک و دین خود به کار ببندند و به دلیل احساس تعهد و تعلق به کشورشان در این راه از هیچ تلاش و اهتمامی دریغ نخواهند کرد» (جعفرزاده پور، 1393: 12). به باور ربانی و دیگران (1388: 66) یکی از ابزارهای تکوین هویت در فرد و جامعه، آموزش یا تعلیم و تریبت است، به ویژه در جهان امروز که ملتها دیگر نمی توانند همچون گذشته به گونه ای سنتی و طبیعی، یا هر طور که خودشان می خواهند زندگی کنند، اهمیت مقوله تعلیم و تربیت دو چندان شده است. به همین جهت آموزش و پرورش ملی در هر کشور، در این زمینه مسئولیتی خطیر بر دوش دارد.

هویت ملی ریشه در اعماق تاریخ و فرهنگ یک ملت دارد و با سرشت تک تک افراد یک جامعه درآمیخته است (خداوردویی، 1395) درکشور ما به دلایل تاریخی، هویت ملی، هویتی ترکیبی است. بر اساس نظر شهید مطهری هویت ملی در ایران دارای دو بال «ایرانی» و «اسلامی» است و بدون تقویت همزمان این دو، پرواز پرنده ممکن نخواهد بود (مطهری،1390). بنابر این تقویت هویت ملی نیازمند تقویت همزمان ابعاد هویتی اسلامیت و ایرانیت است. این در حالی است که آخوندی (1387) در مطالعه خویش نشان داد که در سالهای پس از پیروزی انقلاب تاکید زیادی بر هویت اسلامی در مقابل هویت ایرانی شده است. بررسی کتابهای درسی از منظر چگونگی بازنمایی هویت ملی در مقاطع مختلف تحصیلی سالهای پس از انقلاب (نجفی و دیگران، 1394؛ ادیب منش و پروانه، 1394؛ اشرف صادقی و مرادخانی، 1393؛ معروفی و پناهی توانا، 1393؛ شارع پور ودیگران، 1391؛ پناهی توانا، 1390؛ ایمانی قوشچی، 1389؛ جعفرزاده پور، 1389؛ شاه نقی، 1387) حکایت از آن دارد که کتابهای درسی به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای آموزش و پرورش برای انتقال مفاهیم و ارزشها، بیشتر بر هویت دینی تاکید داشته اند. این در حالی است که هویت ملی ایرانیان دارای ابعاد مختلفی است و لازم است که توجه متوازن و همزمانی به ابعاد دینی، ملی، قومی آن شود تا منجر به تقویت هویت ملی گردد. در هر دوره ای مرتبط با سیاستهای کلان ماخوزه، به مفهوم هویت ملی پرداخته می شود؛ به طوری که در دوران پهلوی بیشترین تاکید بر هویت ایرانی بوده (ابراهیم زاده، 1387؛ حسن پور، 1391؛ امیری، 1388) این در حالی است که در کتابهای درسی منتشره در دوران استقرار جمهوری اسلامی تاکید بیشتر بر هویت دینی (جنبه اسلامی هویت ملی) است و شاخص های مرتبط با مولفه های هویت دینی از توجه و اهمیت بیشتری برخوردار شده اند. مطالعات مختلف تلاش کرده اند که به توصیف وضعیت هویت ملی در آموزش و پرورش از طریق چگونگی بازنمایی هویت ملی در کتابهای درسی، برنامه پنهان درسی، وضعیت هویت ملی دانش آموزان، و... بپردازند.

بنظر می رسد عامل اصلی وضعیت هویت ملی در بین دانش آموزان و نیز بازنمایی آن در کتابهای درسی متاثر از اسناد بالادستی و تفسیر آن از هویت ملی در این نهاد است. اسناد بالادستی چراغ راه تدوین کتابهای درسی، برنامه درسی پنهان و به طور کلی مواجهه کارگزاران این ساختار با موضوع هویت ملی است. از آنجا که هویتهای جمعی و بالاخص هویت در دوران نوجوانی شکل گرفته و ضروری است که نسل جوان به جامعه ملی متعلق و متعهد باشند و از آنجا که هویت ملی در ایران دارای ابعاد مختلف بوده و هویتی ترکیبی است و از سویی مطالعات، توجه همزمان به دو بعد مهم (اسلامی- ایرانی) را برای تقویت هویت ملی تاکید می کند؛ ضروری است که وضعیت توجه به هویت ملی در اسناد بالادستی وزارت آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس این مهم مقاله حاضر تلاش دارد که با بررسی اسناد بالادستی وزارت آموزش و پرورش بالاخص سند تحول و اهداف کلان، رویکردهای آموزش و پرورش را در ارتباط با هویت ملی احصا نموده و پیامد این رویکردها را مورد مداقه قرار دهد. بنابر این مهمترین هدف مقاله حاضر چگونگی بازنمایی هویت ملی در اسناد بالادستی (سند تحول) است.

**تعریف مفاهیم**

هویت ملی

هویت ملی نوعی احساس تعلق و تعهد اعضای یک جامعه به رموز و نمادهای فرهنگی شامل هنجارها، ارزشها، زبان، دین، ادبیات و تاریخ مشترک است که موجب تمایز آن جامعه از دیگر جوامع و تقویت انسجام ملی می شود (قاسمی و ابراهیم آبادی، 1390: 108). هویت ملی بازتولید و باز تفسیر دائمی ارزشها، نهادها، خاطره ها، اسطوره ها و سنتهایی است که میراث متمایز ملتها را تشکیل می دهد و تشخیص هویت افراد با آن الگو، میراث و یا عناصر فرهنگی، امکان پذیر است (اسمیت، 1383).

هویت دینی

هویت دینی مجموعه ای از باورها، ارزشها و نگرشها و در نهایت رفتار فردی و اجتماعی افراد است که در رابطه با امر دینی از خود بروز می دهند. در حالی که دینداری صرفا میزان پایبندی نظری و عملی به یک دستگاه دینی است و از این نظر بخش کوچکی از هویت دینی را شامل می شود (چیت ساز، 1395: 205).

**پیشینه تحقیق**

مطالعات قلیلی در ارتباط با هویت و آموزش و پرورش در سالهای اخیر منتشر شده است. یکی از اخیرترین مطالعات توسط خلیلی و مهربان اینچه برون (1400) با عنوان «سیاستهای هویت، آموزش و پرورش و امنیت ملی در ایران» انجام شده است. هدف از مطالعه، بررسی تاثیر سیاست هویت منعکس شده در کتب آموزش و پرورش بر امنیت ملی است. روش پژوهش تحلیل محتوای کیفی سه کتاب مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه نظری در سال تحصیلی 1400-1399 بوده است. یافته ها حاکی از آن است که کتب مورد بررسی تصویر نامناسب و نامتوازن از توجه به ابعاد و گرایشهای مختلف هویت ملی، قومی، مذهبی، دینی و جنسیتی ارائه می دهند. محققان بر این باورند که این نوع سیاست هویت اعمالی باعث عدم تقویت هویتهای چندگانه برجسته دانش آموزان شده و تضعیف هویت ملی و در نهایت تهدید امنیت ملی را به همراه خواهد داشت.

جعفرزاده پور (1397) در مطالعه ای با عنوان «بررسی و ارائه ساز و کارهای تقویت انسجام اجتماعی و وحدت ملی و احیای هویت افتخار آمیز اسلامی ایرانی در دانش آموزان» با استفاده از روشهای کیفی فراتحلیل، پنل خبرگان، چگونگی بازنمایی هویت در کتب درسی و نیز برنامه درسی پنهان را بررسی کرد. مطالعه نشان می دهد که هویت ملی (اسلامی ایرانی) که مبنای انسجام اجتماعی است، در کشور ما هویتی ترکیبی بوده و برای تقویت آن ضروری است که ابعاد آن به صورت همزمان تقویت شود. این در حالی است که تاکید بسیار زیاد آموزش و پرورش در اسناد بالا دستی و ابزارهای سه گانه (کتابهای درسی، کارکنان و معلمین، برنامه درسی پنهان و فضای آموزشی) بر تقویت نامتوازن ابعاد هویت ملی می باشد چنین وضعیتی مانع از ایجاد انسجام اجتماعی و تقویت هویت ملی شده است.

ادیب منش و پروانه (1394) در مطالعه ای با هدف تبیین جایگاه هویت دینی، مذهبی و انقلابی در کتابهای متوسطه، با روش تحلیل محتوا به بررسی کتابهای تاریخ دوره متوسطه علوم پایه سالهای 1392-1358 پرداخته اند. جامعه نمونه این مطالعه تعداد 9 عنوان کتاب درسی تاریخ که به لحاظ محتوایی تکراری نبودند میباشد. یافته های تحقیق حکایت از آن دارد که کتابهای درسی تاریخ متوسطه بعد از انقلاب اسلامی در شکل دهی و انتقال مفاهیم هویت دینی، مذهبی و انقلابی سهم زیادی داشته و توانسته اند ویژگی ها، باید ها و نباید های دینی، عقاید و هویت اسلامی- انقلابی را در لابه لای مطالب خویش به دانش آموزان انتقال دهند و در جهت درونی سازی آنها موثر عمل کنند. آنها بر این باورند که کتابهای درسی تاریخ در مقطع متوسطه نظام آموزش و پرورش ایران در بعد از انقلاب اسلامی تا کنون، سهم مهمی در انتقال مفاهیم و مولفه های هویت دینی (اسلامی- مذهبی- انقلابی) به فرزندان و دانش آموزان این مرز و بوم داشته است و توانسته اند ویژگی ها، باید ها و نبایدهای دینی، عقاید و هویت اسلامی – انقلابی را در لابه لای مطالب خویش، به دانش آموزان انتقال دهند و در جهت درونی سازی انها عمل کنند.

ایمان و روحانی (1392) به بررسی رابطه بین هویت دینی (اسلامی) و هویتهای رقیب (هویت جهانی، ملی و قومی) در بین دانشجویان دانشگاه شیراز با استفاده از روش پیمایش و حجم نمونه 431 نفر از دانشجویان پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که هویت ملی و هویت قومی، هویت اسلامی را تقویت می کنند و رابطه مثبتی با آن دارند و در واقع، هویت رقیبی برای هویت اسلامی محسوب نمی شوند؛ اما هویت جهانی برای هویت اسلامی، هویت رقیبی به شمار می آید و رابطه منفی بین این دو برقرار است.

قادرزاده (1392) در مطالعه خویش با عنوان «آموزش و پرورش و هویت دینی و ملی مطالعه پیمایشی دانش آموزان مقطع متوسطه شهر بانه» به اهمیت دین در هویت ملی تاکید نموده و اظهار داشته که بین دو مفهوم رابطه تنگاتنگی وجود دارد. وی بر این باور است که تقویت هویتهای دینی و ملی در دانش آموزان، امروزه یکی از اساسی ترین مسائل پیش روی آموزش و پرورش، به مثابه یکی از مهمترین کارگزاران جامعه پذیری و بازتولید همبستگی اجتماعی عام به شمار می رود. نظام آموزشی با درونی کردن ارزشها و آشنا ساختن دانش آموزان با اصول حاکم بر جامعه و نظام سیاسی، نقش قابل توجهی در افزایش علاقه و دلبستگی افراد به آنها ایفا می نماید. به همین سبب درونی کردن ارزشها و هنجارهای نظام سیاسی و اشاعه آنها در تک تک افراد از جمله مهمترین وظایف آموزش و پرورش محسوب می شود که هر نوع اختلالی در انجام آن می تواند نتایج ناخوشایندی در پی داشته باشد.

بخشایش (1392) در مقاله ای با عنوان «رابطه بین باروهای مذهبی، بحران هویت و سبکهای هویت در دانش آموزان» به بررسی رابطه دو متغیر در بین دانش آموزان پرداخته است. جامعه نمونه این تحقیق 330 نفر از دانش آموزان مقطع چهارم متوسطه شهرستان سیرجان است که با روش نمونه گیری خوشه ای، انتخاب شدند و ابزار تحقیق پرسشنامه استاندارد باورهای اساسی مذهبی، بحران هویت، و سبکهای هویت بوده است. نتایج نشان داد که بین باورهای اساسی مذهبی و بحران هویت رابطه منفی معنادار (459/0-=r) وجود دارد و باورهای مذهبی با تمام سبکهای هویت ارتباط معناداری داشته است. بحران هویت با تعهد هویت در افراد رابطه منفی معناداری نشان داد. دانش آموزان دختر و پسر در میزان باورهای مذهبی و بحران هویت از یکدیگر متفاوت نیستند.

ادریس و همکاران (2011) در تحقیقی با عنوان" نقش آموزش در شکل­دهی به هویت ملی جوانان" سعی در بررسی ارتباط بین آموزش و هویت ملی داشتند. نمونه مورد بررسی در این تحقیق شامل 375 نفر بودند که از طریق پرسشنامه اطلاعات از آنها اخذ شده است. یافته­های تحقیق حاکی از آن است که آموزش به ساخت هویت ملی کمک می­کند. بطور کلی یافته ها حاکی از آن است که آموزش همیشه در ارتباط با فرآیند ارائه مهارت، انتشار دانش و درونی سازی ارزش بوده است. بصورت عملی افرادی که به دانش مجهز هستند قادرند این دانش را درونی و در زندگی روزمره اعمال کنند. در مورد کودکان آموزش می تواند به عنوان فرایند مداوم توسعه آنها در نظر گرفته شود که آنها می توانند این دانش در مورد آمادگی برای زندگی آینده خود اعمال کنند.

پورهایت[[1]](#footnote-1) و همکاران (2012) در تحقیقی با عنوان "درباره نقش هویت و انسجام اجتماعی در مشخص کردن اجتماعات اجتماعی آنلاین" در تلاش بودند که دو نظریه انسجام اجتماعی و هویت اجتماعی را در تبیین رفتار و پایداری و گروههای اجتماعی در توئیتر به کار گیرند. نقطه مرکزی این تحقیق فهم نقش این دو نظریه در زمینه های متنوعی در طیفی از پاسخ های فاجعه بار تا فعال بودن اجتماعی - سیاسی مورد بررسی قرار می­دهند. یافته های این تحقیق نشان دهنده این مطلب است که 1. اشتراک هویت های اجتماعی (خصوصا موقعیت فیزیکی) در بین اعضا تاثیر مثبتی بر پایداری گروه دارد، 2. انسجام ساختاری یک شاخص مهم پایداری گروه است و 3. حتی ویژگی هایی که نقشی در شکل دهی به پایداری گروه بازی می کنند به نسبت وقایع گذار و وقایع ماندگارتر در گروه های اجتماعی رفتار متفاوتی دارند.

**مبانی نظری**

اسمیت بر این باور است که هویت ملی باز تولید و باز تفسیر دایمی الگوی ارزشها، نمادها، خاطرات، اسطوره ها و سنتهایی که میراث متمایز ملتها را تشکیل می دهند و تشخیص هویت افراد با آن الگو و با عناصر فرهنگی اش می باشد (اسمیت، 1383: 30). باوند هویت ملی را فرایند پاسخگویی آگاهانه یک ملت به پرسشهایی پیرامون خود، گذشته، کیفیت، زمان، تعلق، خاستگاه اصلی و دائمی حوزه تمدنی، جایگاه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ارزشهای ملهم از هویت تاریخی خود دانسته است (باوند، 1377 به نقل از حاجیانی، 1384: 104). از ویژگی های هویت ملی در کشور ما (و برخی دیگر از کشورها) چند لایه بودن آن است. اندیشمندان مختلف از منظرهای متفاوت به هویت ملی در ایران نگریسته اند و بر این مبنا لایه های متفاوتی را از هویت ملی ایرانیان مطرح نموده اند.

مطهری در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران به دو عامل «ایرانی بودن» و «اسلامی بودن» به عنوان عوامل هویت ساز اشاره می کند. عبدالکریم سروش معتقد است که هویت ایرانی از سه مولفه ایرانی بودن، اسلام و تجدد تشکیل شده است. فرهنگ رجایی بر این باور است که چهار مولفه اسلام، ایران، تجدد و سنت؛ لایه های هویتی ایرانیان را تشکیل می دهند (رجایی، 1386) حمید احمدی به عناصر زیر به عنوان ملاکهای هویت ملی نظر دارد: ملیت، نژاد، سرزمین، دولت و تابعیت، زبان، سنن مشترک فرهنگی، ریشه های تاریخی، دین و اقتصاد (گودرزی، 1387: 95). سریع القلم مهمترین عناصر هویت ملی را در تاریخ، پیشینه فرهنگی، دین، قومیت، جغرافیای سیاسی، مقدورات و توانایی های موجود و نظام محتوای آموزشی یک کشور می داند (سریع القلم، 1383: 35). حاجیانی، لایه های هویتی ایرانیان را متشکل از چهار رایه هویت ایرانی، هویت دینی، هویت قومی و هویت متجددانه و جهانی میداند (حاجیانی، 1388: 59 به نقل از بلباسی و قربی، 1394: 49).

مهمترین نظریه در باب هویت جمعی (هویت ملی) را می توان نظریه جرج هربرت مید دانست. وی با تفکیک خود فاعلی از خود مفعولی به مبحث هویت غنای بیشتری بخشیده است. وی «خود» را محصول اجتماع می داند که از خلال اخذ دیدگاه «دیگری» شکل می گیرد. بدین صورت که فرد آگاهی می یابد موضوعی در حوزه ادراک دیگری است و با درونی سازی آن، بر خود نیز به عنوان موضوعی در حوزه ادراک خود آگاه می شود (دوران، 1387: 15). این همان مفهومی است که کولی خود آینه سان می نامد. به عقیده کولی خود یعنی احساس اینکه فرد کلیتی متمایز است. اما در عین حال خود و دیگری دو روی یک سکه اند. در نتیجه خود فقط بر اساس شباهت و تفاوت نسبی با دیگران تعریف می شود. کولی به وجود خود گروهی یا ما علاوه بر خود شخصی یا من فاعلی معترف است و اظهار می دارد که خود گروهی یا ما مشتمل بر اشخاص دیگر است. شخص، خودش را با گروه معرفی می کند و بنابر این از آمال، افکار، خمات مشترک یا در یک کلمه ما سخن می گوید (همان، 16).

بنابر نظریه تاجفل، هویت اجتماعی به عنوان آگاهی فرد از تعلق به یک گروه اجتماعی معین و ارزش و اهمیت عاطفی این عضویت برای فرد، مفهوم سازی شده است. در نتیجه بنابر تعلق افراد به گروههای متفاوت است که آنان به یک هویت اجتماعی معرف وضعیت بخصوصشان در جامعه، دست می یابند. اما تعلق به یک گروه معین فقط در صورتی به مشارکت در یک هویت اجتماعی مثبت می انجامد که مشخصات آن گروه بتواند به طور جانبدارانه ای با دیگر گروهها مقایسه شود. در این مقایسه، افراد به داوری به نفع گروه خود گرایش دارند. خواست، ایجاد، نگهداری و یا افزایش تمایز مثبت به نفع درون گروه در مقایسه با برون گروهها، در ابعاد مربوط و تحت شرایطی که افراد خود را بر اساس عضویتهایشان معرفی می کنند، نشان از نیاز به هویت اجتماعی مثبت دارد. تاجفل، این تحلیل روانشناختی را از انگیزش برای هویت اجتماعی مثبت، در مزیت قائل شدن برای درون گروه مد نظر داشت.

استرایکر در نظریه های خود، «سلسله مراتب برجستگی هویت[[2]](#footnote-2)» و «نظریه هویت عاطفه[[3]](#footnote-3)» به بررسی رفتار انسانی در اجرای نقشهای هویتی در زمینه کنش متقابل اجتماعی نمادین[[4]](#footnote-4) پرداخته است. وی با تاکید بر موقعیت کنش گران، در واقع میان فرد و ساختار اجتماعی رابطه برقرار می کند و از سطح فردی، به سطح کنش ساختاری حرکت می کند و سپس این مسیر را دوباره بر می گردد (استرایکر، 1999، دسروکرس و همکاران، 2004؛ ریتزر، 1384 به نقل از ایمان و روحانی، 1392: 133). استریکر معتقد است که بسیاری از کنشهای رفتاری ما، در ساختارهای اجتماعی مشخص تعیین پذیرند و افراد تقریبا از انتظارات هویتی و نقشی خود در موقعیتها آگاه هستند، اما همچنان که شروع به کنش متقابل می کنند، شکل و محتوای کنش آنها ممکن است تغییر کند و هم سو با انتظارات آنها از آن موقعیت ساختاری نباشد. مقدار این تغییرات، به نوع ساختار اجتماعی بستگی دارد؛ اما در هر صورت ساختارها، کنشهای افراد را محدود می کنند. در نهایت پلی که استریکر میان فرد و ساختار می زند، موجب برتری ساختار بر فرد می شود، زیرا وی معتقد است که افراد خودشان را به عنوان ابژه هایی در رابطه با موقعیتشان در ساختار اجتماعی درک و شناسایی می کنند (ترنر، 2003).

**روش شناسی**

روش بررسی در مطالعه حاضر روش اسنادی از زمره روشهای کیفی است. این مطالعه در مرحله نخست به بررسی سند تحول آموزش و پرورش با تاکید بر مفاهیم هویت ملی پرداخته است. تمامی 8 فصل سند تحول به تفکیک مورد بررسی قرار گرفته و مفاهیم مرتبط با هویت ملی احصا و وضعیت آنها تحلیل شده است.

**یافته ها**

بنظر می رسد که وضعیت موجود هویت ملی و احساس تعلق دانش آموزان به جامعه ملی بازتاب رویکردهای فلسفی و پیامد عملکرد نهاد آموزش و پرورش در ارتباط با هویت ملی است. به منظور احصا رویکردهای آموزش و پرورش به هویت ملی، مهمترین اسناد این نهاد شامل سند تحول آموزش و پرورش و اهداف کلان آموزش و پرورش مورد مطالعه دقیق قرار گرفت.

الف- سند تحول:

سند تحول آموزش و پرورش شامل یک مقدمه و 8 فصل (کلیات، بیانیه ارزشها، بیانیه ماموریت، چشم انداز، هدفهای کلان، راهبردهای کلان، هدفهای عملیاتی و راهکارها، چارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین) است. در فصل کلیات، ابتدا «ساحتهای تعلیم و تربیت» تعریف شده است. در توضیح ساحتهای تعلیم و تربیت به ساحتهای مندرج در فلسفه تعلیم و تربیت در ج. ا. ایران «تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت زیبا شناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه ای، تعلیم و تربیت علمی و فناورانه» تاکید شده است (صفحه 11 سند تحول). همانگونه که مشاهده می شود ساحتها حوزه های دینی، اقتصادی، علمی و فناوری را شامل می شود و ابعاد اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این سند، **هویت برایند مجموعه ای از بینشها، باورها، گرایشها، اعمال و صفات آدمی تعریف شده** که در توضیح بیشتر آمده است: «بینش و گرایش درونی، زمینه باور (ایمان) و تکوین اراده (تصمیم معطوف به عمل) را در وی فراهم می آورد و با عمل و تکرار آن، هویتش شکل می گیرد. همین امور نیز، در هر گونه تحول هویت، پس از تکوین اولیه آن نقش آفرین است»(صفحه 11 و 12 سند تحول). در این تعریف بینش و گرایش درونی زمینه تکوین اراده مطرح شده و بسترهای اجتماعی و فرهنگی مغفول مانده است.

«مسئولیت آماده سازی دانش آموزان جهت تحقق مرتبه ای از حیات طیبه در همه ابعاد» را بر عهده نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی واگذار شده است (صفحه 10 سند تحول). «حیات طیبه» مفهوم مهمی در سند تحول بوده و بسیاری از تلاشها برای نیل به آن طراحی شده است. «یکی از مشخصات اصلی حیات طیبه، تکیه بر ارزش غایی زندگی –قرب الی الله- و نظام معیار متناسب با آن یعنی مبانی و ارزشهای مقبول دین اسلام است» (صفحه 13 سند تحول). بر مبنای کلیات سند تحول تاکید اصلی آن تربیت فراگیران بر مبنای دستورات دینی و تحقق مرتبه ای از حیات طیبه است. این در حالی است که توجه به توانمندی های مهارتی و ارتباطی و توجه به ویژگی های هویت ملی (ایرانی) در کلیات مورد توجه قرار نگرفته است.

فصل دوم سند، بیانیه ارزشها نام دارد. 30 گزاره ارزشی در این فصل مطرح شده است که حدود یک چهارم (8 گزاره) آنها مشخصا به ارزشهای دینی پرداخته است. 5 گزاره در این فصل به طور مستقیم یا غیر مستقیم به موضوع هویت ملی (جمعی) پرداخته است که عبارتند از:

بند6- «هویت شناخت مدار و واقع نمایی و معنای گسترده، جامع و منسجم معرفت (وحیانی، عقلانی، نقلی و تجربی)»

بند 11- «تکوین و تعالی جنبه های انسانی هویت دانش آموزان برای تقویت روابط حق محور، عدالت گستر و مهرورزانه با همه انسانها در سراسر جهان»

بند 19- «صیانت از وحدت ملی و انسجام اجتماعی با محوریت هویت مشترک اسلامی- ایرانی»

بند 20- «وطن دوستی و افتخار به ارزشهای اصیل و ماندگار اسلامی- ایرانی و اهتمام به برپایی جامعه مهدوی»

بند 21- «تقویت گرایش به زبان و ادبیات فارسی به عنوان زبان مشترک» (صفحات 16 تا 18 سند تحول)

همانگونه که مشاهده می شود تنها در 2 گزاره از 5 گزاره مرتبط با «هویت» به ابعاد اسلامی و ایرانی هویت ملی تاکید شده است. بند 19 به اهمیت انسجام و وحدت ملی با محوریت هویت مشترک اشاره داشته و بند 21 به یکی از شاخصهای هویت ملی ایرانیان که «زبان فارسی» است، تاکید می کند. این در حالی است که سه گزاره دیگر تاکید بیشتری بر ابعاد دینی هویت ملی دارند تا ابعاد ایرانی آن.

در فصل سوم با عنوان «بیانیه ماموریت» هیچ اشاره ای به «هویت» نشده است. عنوان فصل چهارم سند تحول «چشم انداز» است. در مقدمه این فصل و در ذیل عنوان «مدرسه در افق چشم انداز 1404» 4 مرتبه «هویت» به شرح زیر مورد توجه و تاکید قرار گرفته است.

در مقدمه چشم انداز آمده است: «توانمند در زمینه سازی برای شکوفایی فطرت و استعدادها و شکل گیری هویت یکپارچه اسلامی، انقلابی- ایرانی دانش آموزان با توجه به هویت اختصاصی آنان» (صفحه 21 سند تحول)

در ذیل عنوان مدرسه در افق چشم انداز 1404 آمده است:

«بر پایه این چشم انداز، مدرسه جلوه ای است از تحقق مراتب حیات طیبه، کانون عرضه خدمات و فرصتهای تعلیم و تربیتی، زمینه ساز درک و اصلاح موقعیت توسط دانش آموزان و تکوین و تعالی پیوسته هویت آنان بر اساس نظام معیار اسلامی» (همان).

«تامین کننده نیازهای فردی و اجتماعی و محیط اخلاقی، علمی، امن، سالم، با نشاط، مهرورز و برخوردار از هویت جمعی» (صفحه 22 سند تحول)

«برخوردار از مربیان دارای فضایل اخلاقی و شایستگی های حرفه ای با هویت یکپارچه توحیدی بر اساس نظام معیار اسلامی» (صفحه 24 سند تحول)

به طوری که مشاهده می شود در سه مورد از مفاهیم مطروحه در چشم انداز تاکید بیشتر بر هویت اسلامی و با تاکید بر نظام معیار اسلامی است و تنها یک مورد به هویت ایرانی دانش آموزان نیز توجه شده است. یکی دیگر از چشم اندازهایی که در ارتباط با هویت جمعی است، موضوع به صورت کلی دیده شده است.

فصل پنجم به اهداف کلان پرداخته و به این عنوان نامگذاری شده است. در این فصل 8 هدف کلان برای آموزش و پرورش مطرح شده که 3 مرتبه در اهداف اشاراتی به هویت ملی مشاهده می شود. در هدف 1 در توضیح اهداف آموزش آورده شده: «تربیت انسانی موحد، مومن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیتها و وظایف در برابر خدا، خود و دیگران و طبیعت، حقیقت جو و عاقل، عدالت خواه و صلح جو، ظلم ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و **وطن دوست**، مهرورز، جمع گرا و جهانی اندیش، ولایت مدار و منتظر و تلاشگر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، با اراده و امیدوار، خودباور و دارای عزت نفس، امانتدار، دانا و توانا، پاکدامن و با حیا، انتخابگر و آزاد منش، متخلص به اخلاق اسلامی خلاق و کارآفرین و مقتصد و ماهر، سالم و با نشاط، قانون مدار و نظم پذذیر و آماده ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی بر اساس نظام معیار اسلامی» (صفحه 24 سند تحول). بررسی دقیق نشان می دهد که یکی از اهداف تربیتی، وطن دوستی و تعلق به هویت ملی است در حالی که بسیاری از اهداف دیگر با تاکید به ارزشها و اهداف اسلامی هم مطرح شده و میزان توجه به حوزه اسلامی در اهداف بیش از حوزه ایرانی است.

در هدف شماره 2 «ارتقای نقش تعلیم و تربیت رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور، بسط و اعتلای فرهنگ عمومی و زمینه سازی برای اقتدار و مرجعیت علمی و **تکوین تمدن اسلامی- ایرانی** در راستای تحقق جامعه عدل مهدوی با تاکید بر تعمیق معرفت و بصیرت دینی و سیاسی، التزام به ارزشهای اخلاقی، وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران، اعتقاد و التزام عملی به اصل ولایت مطلقه فقیه و مردم سالاری دینی، **تحکیم وحدت ملی**، تقویت روحیه علمی، رعایت حقوق و مسئولیتهای اجتماعی، ارتقای آداب و آیین زندگی متعالی، بهداشتی و زیست محیطی» (همان). در این هدف نیز علاوه بر موضوعات دینی در 2 مورد اشاره ای به هویت ملی نیز شده است. در هدف شماره 2 بار توجه به هویت دینی بسیار بیشتر از هویت ملی است. در مابقی اهداف توجه به هویت ملی مغفول مانده است.

در فصل ششم به راهبردهای کلان نظام آموزش و پرورش بر اساس اهداف کلان پرداخته شده است. 15 راهبرد کلان مطرح شده که هر یک در راستای تحقق چند هدف کلان است. 12 مورد از راهبردهای کلان مربوط به هدف کلان 2، و 9 مورد از راهبردهای کلان در راستای تحقق هدف کلان اول است.

فصل هفتم سند تحول در 23 هدف عملیاتی به همراه 131 راهکارها را برای اجرایی نمودن آنها مطرح کرده است. هر یک از اهداف عملیاتی دارای چندین راهکار هستند که تلاش شده در راستای اهداف کلان سند تنظیم شوند. گرچه اهداف عملیاتی و راهکارها لزوما در تناظر با یکدیگر نمی باشند. به طور کلی از 23 هدف عملیاتی بخشی از 2 هدف و از 131 راهکار در دو راهکار از این فصل به هویت ملی توجه شده است. برای اولین هدف عملیاتی «پرورش تربیت یافتگانی که:» 8 بند پیش بینی نموده که یکی از آنها به شرح زیر مرتبط با هویت ملی است: «با درک مفاهیم اجتماعی و سیاسی و احترام به قانون و اندیشه ورزی در آنها، شایستگی رویارویی مسئولانه و خردمندانه با تحولات اجتماعی و سیاسی را کسب کنند و با **رعایت وحدت و تفاهم ملی، در دفاع از عزت و اقتدار ملی می کوشند** و با روحیه مسئولیت پذیری و تعالی خواهی و برخوردار از مهارتهای ارتباطی، در حیات خانوادگی و اجتماعی (در سطوح محلی تا جهانی) با رعایت اصول بر گرفته از نظام معیار اسلامی، مشارکت موثر دارند». مرتبط ترین و مهمترین راهکار مطرح شده برای تقویت هویت ملی در ذیل اولین هدف عملیاتی مورد بررسی راهکار 7-1 «**ایجاد ساز و کار برای تقویت انسجام اجتماعی و وحدت ملی و احیای هویت افتخار آمیز اسلامی- ایرانی** در دانش آموزان و معلمان با تاکید بر آموزش و اجرای سرود ملی و به اهتراز در آوردن پرچم جمهوری اسلامی ایران در تمام مدارس» است (صفحه 33 ، سند تحول).

بجز در هدف اول عملیاتی، در هدف پنجم (تامین و بسط عدالت در برخورداری از فرصتهای تعلیم و تربیت با کیفیت مناسب با توجه به تفاوتها و ویژگی های دختران و پسران و مناطق مختلف کشور)، در قسمت راهکار 5-5 به هویت ملی به این شرح پرداخته شده است: «اختصاص حداقل 10 درصد و حداکثر 20 درصد از برنامه های آموزشی به معرفی حرفه ها، هنرها، جغرافیا و آیین و رسوم و شرایط اقلیمی و جغرافیایی استانها به ویژه مناطق روستایی و عشایری با رعایت استانداردهای **ارتقای کیفیت و تقویت هویت اسلامی –ایرانی دانش آموزان در چارچوب ایجاد کارآمدی و تقویت هویت ملی**» (صفحه 38 و 39 سند تحول). بدین ترتیب علی رغم طولانی بودن این فصل و توجه به بسیاری از موضوعات و تاکید بر بعضی از آنها، تنها در دو مورد در اهداف و راهکارها به هویت ملی و تقویت آن توجه شده است. در فصل هشتم مشخصا به هویت ملی پرداخته نشده است.

ب- بررسی کتابهای درسی

بیش از 30 مطالعه در ارتباط با بازنمایی هویت ملی در کتابهای درسی انجام شده است (جعفرزاده پور، 1397). اغلب مطالعات از روش تحلیل محتوا استفاده کرده اند. دوره زمانی اکثر آنها دوران بعد از انقلاب اسلامی بوده است. تنها 3 مطالعه به بررسی کتابهای درسی دوران پهلوی پرداخته اند. نمونه آماری مطالعات مذکور متفاوت بوده برخی فقط یک دوره تحصیلی را بررسی کرده و گروهی یک مقطع را مورد مداقه قرار دادند. بیشتر مطالعات کتب فارسی و یا تعلیمات اجتماعی را مطالعه کرده اند. در بررسی کتب درسی از منظر هویت ملی می توان اظهار داشت که توجه به مفهوم هویت ملی در هر دوره ای مرتبط با سیاستهای کلان حکومت بوده است در دوران پهلوی بیشترین تاکید بر هویت ایرانی بوده در حالی که کتب درسی در دوران جمهوری اسلامی بیشتر بر هویت دینی تاکید داشته اند. این در حالی است که هویت ملی ایرانیان دارای ابعاد مختلفی است و لازم است که توجه متوازن و همزمانی به ابعاد دینی، ملی، قومی آن شود تا منجر به تقویت هویت ملی گردد. در وضعیت موجود نیل به هدف انسجام اجتماعی محقق نخواهد شد.

**نتیجه گیری**

هویت ملی ایرانیان (اسلامی ایرانی) دارای ویژگی های خاصی است که پیش از برنامه ریزی و اقدام برای تقویت آن باید ابعاد و روابط بین این ابعاد را به دقت شناخت. به باور محققان (رجایی، 1386؛ حاجیانی، 1387؛ مطهری، 1390؛ سروش، 1383؛ شایگان، 1381؛ تاجیک، 1379؛ گودرزی، 1387؛ سریع القلم، 1383) هویت ملی (ایرانی – اسلامی) هویتی ترکیبی و متکثر بوده و از ترکیب هویت ملی، هویت دینی و هویت مدرن یا جهانی حاصل شده است. برخی از محققان هویت قومی را نیز بر این مجموعه افزوده اند. روابط فی مابین این هویتها بر اساس مطالعات انجام شده به این ترتیب است که بین هویت ملی، هویت دینی و هویت قومی نسبت هم افزا و تقویت کننده وجود دارد، بدین معنی که تقویت یکی از انواع هویت تحت شرایطی[[5]](#footnote-5) به تقویت دیگری نیز می انجامد. مطالعات مختلف (آخوندی، 1383؛ ایمان و دیگران، 1395) نشان داده اند برای تقویت هویت ملی که ثمره آن ایجاد انسجام در جامعه می باشد، ضروری است که هویت ملی و هویت دینی به طور همزمان و متعادل تقویت شوند. همچنین تاکید بیشتر باید بر بعد فرهنگی هویت ملی و هویت دینی؛ و نیز بعد تاریخی هویت ملی و هویت دینی قرار داده شود. حاجیانی در این باره آورده است: «هویت ایرانی عمدتا و اساسا جوهره فرهنگی دارد .... به عبارت ساده تر انسجام و همزیستی عناصر هویت جمعی در ایران ماهیت فرهنگی دارد» (حاجیانی، 1387: 311). نکته بسیار حائز اهمیت که در این مطالعات گزارش شده این است که تقویت یک هویت بدون توجه به سایر هویتها نه تنها به تقویت هویت مورد نظر نمی انجامد بلکه سایر هویتها را تضعیف می کند. بنابر این ضروری است که تمامی انواع هویت ترکیبی مورد توجه متوازن و همزمان واقع شده تا هدف مطلوب، محقق گردد. به عبارت دیگر اگر فقط هویت ملی یا فقط هویت دینی را در مقابل سایر هویتها تقویت کنیم، نه تنها هویت مورد نظر تقویت نمی شود بلکه خود آن هویت و نیز سایر هویتها نیز تضعیف می گردد و برعکس.

با توجه اهمیت دوران هویت یابی و نیز ویژگی های هویت ملی ایرانیان (اسلامی ایرانی)، لازم است آموزش و پرورش برای نیل به انسجام اجتماعی در جامعه هدف، در تدوین اسناد بالا دستی و نیز در اهداف مصوب، و نیز در زمان عملیاتی سازی آنها به تقویت همزمان هویت ملی (ایرانی- اسلامی)، هویت دینی و هویت قومی توجه خاص نماید. زیرا بدون در نظر گرفتن این موضوع بسیار حائز اهمیت، هر گونه تلاشی منجر به نیل به هدف نخواهد شد. سند تحول آموزش و پرورش تعلیم و تربیت را مهمترین زیر ساخت برای تعالی کشور مطرح کرده و آنرا به مثابه ابزاری برای ارتقاء سرمایه انسانی در یک جامعه دانسته است. در مقدمه این سند آمده است: «عرصه تعلیم و تربیت از مهمترین زیرساختهای تعالی همه جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه های مختلف است» (سند تحول، 7).

بررسی هویت ملی و انسجام اجتماعی در سند تحول آموزش و پرورش به عنوان یک سند بسیار مهم بالادستی از دو سطح هویت سخن می گوید. در سطح فردی یا هویت فردی بیشترین اهتمام این سند نیل به حیات طیبه با تاکید بر ساحتهای شش گانه در دانش آموزان است. این سند مسئولیت تربیت دانش آموزان را برای رسیدن به مرتبه ای از حیات طیبه بر عهده نظام آموزش و پرورش می داند. همچنین در توضیح هویت جمعی یا بر اساس متن سند «وجه جمعی هویت» احساس تعلق افراد (دانش آموزان) را به وجوه مشترک در هویت دینی (بالاخص هویت امتی و جهان اسلام) و هویت جهانی (لایه جهانی یا انسانی هویت) تبیین نموده و در این ارتباط توضیحات مبسوطی ارائه داده و به طور گذرا به هویت ملی اشاره دارد. می توان به جرات اظهار داشت که تاکید بیشتر در سند تحول و جهت دهی هویتی در این سند دو حوزه پیش گفته یعنی هویت دینی و هویت مدرن یا جهانی آن بوده و ایجاد تعلق دانش اموزان به این دو هویت؛ دو گونه از هویت جمعی را مطمح نظر قرار می دهد. در حالی که توجه به تعلق به جامعه ملی در این سند به صورت گذرا بوده است. بدین ترتیب، هویت جمعی در سند تحول به هویت های دینی(مذهبی)، انسانی (لایه جهانی هویت و بالاخص هویت امتی- امت اسلام) است و هویت ملی به طور گذرا و در ارتباط با هویت دینی اشاره شده است. نکته حائز اهمیت این است که در مبحث هویت جمعی به جنبه های دینی/ مذهبی و هویت انسانی (منظور لایه جهانی) هویت و هویت فراملی اشاره می شود در حالی که هویت ملی به طور گذرا و در ارتباط با هویت دینی قرار می گیرد. با توجه به مطالب پیش گفته و سطور حاضر، از آنجا که فعالیتهای ساختار آموزش و پرورش و برنامه ریزی و هدف گذاری ها بر مبنای رویکردهای مذکور اتفاق می افتد، می توان پیش بینی نمود که با این زمینه، انسجام اجتماعی در جامعه هدف تقویت نخواهد شد مگر اینکه راهکارهای مناسبی به کار گرفته شود.

منابع

• امیری، حسن (1388) ترسیم هویت ایرانی در کتابهای درسی ادبیات فارسی و تاریخ مقطع متوسطه ایران از سال 1344-1320، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی- بنیاد ایران شناسی، رشته ایران شناسی گرایش تاریخ

* ادیب منش، مرزبان؛ پروانه، فرهاد(1394) تحلیل محتوای کتابهای درسی تاریخ مقطع متوسطه (رشته های علوم پایه) از منظر ترسیم هویت دینی از سال 58 تا 92 ه.ش، مجله علمی پژوهشی پژوهشهای برنامه درسی، دوره پنجم، ش 2، پاییز و زمستان

اسمیت، آنتونی (1383) ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی و تاریخ. ترجمه منصور انصاری، تهران، موسسه مطالعات ملی

* اشرف صادقی، علی؛ مرادخانی، همایون (1393) برساخت گفتمانی هویت در کتابهای فارسی دوره ابتدایی، جامعه پژوهی فرهنگی، سال پنجم، ش 4، زمستان
* ایمانی قوشچی، فریبا (1389) بررسی نمادهای هویت ملی در کتابهای درسی تاریخ و علوم اجتماعی دوره متوسطه رشته های علوم انسانی، تجربی و ریاضی فیزیک در سال تحصیلی 89-1388، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

آخوندی، محمدباقر (13873)، *هویت ملی مذهبی جوانان***،** قم: مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (موسسه بوستان کتاب)

* پناهی توانا؛ صادق (1390) بررسی میزان تاکید کتابهای ادبیات فارسی بر شاخص های هویت ملی مذهبی از دیدگاه دبیران درس ادبیات دوره متوسطه شهر همدان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز همدان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
* جعفرزاده پور، فروزنده (1397) برررسی و ارائه ساز و کارهای تقویت انسجام اجتماعی و وحدت ملی و احیای هویت افتخار آمیز اسلامی ایرانی در دانش آموزان، طرح پژوهشی به سفارش شورای عالی آموزش و پرورش
* جعفرزاده پور، فروزنده(1389) کتابهای درسی و هویت ملی، فراتحلیل مطالعه های انجام شده درباره کتابهای درسی، فصلنامه مطالعات ملی، ش پیاپی 42، سال یازدهم، ش 2 تابستان.
* چیت ساز، محمد جواد (1387) فراتحلیل پژوهشهای انجام شده در مورد هویت دینی و ملی، سازمان برنامه ریزی آموزشی، گزارش نهایی طرح

حاجیانی، ابراهیم (1379) تحلیل جامعه شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه، فصلنامه مطالعات ملی، دوره 2 ، ش 5.

* خداوردویی، سعید (1395) نقش آموزش و پروروش در بازتولید هویت ملی در دانش آموزان جمهوری اسلامی ایران، دومین همایش پژوهشهای نوین در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران

خلیلی، رضا؛ مهربان اینچه برون، حامد (1400) سیاست هویت آموزش و پرورش و امنیت ملی در ایران، مطالعات راهبردی، سال 24، ش 4، زمستان

* سازگارا، پروین (1389) جامعه در آینه گسل های اجتماعی یا ارزشها و هنجارها، تحلیلی در جامعه شناسی آموزش و پرورش، انتشارات رز، تهران

سریع القلم، محمود (1383) متدولوژی فهم هویت ملی، مجموعه مقالات هویت ملی در ایران، به اهتمام داوود میرمحمدی، انتشارات تمدن ایرانی، تهران

* شارع پور، محمود؛ سلیمانی بشلی، محمد رضا؛ شکراللهی، آمنه (1391) بازنمایی مولفه های هویت ملی در کتب فارسی دوره ابتدایی، فصلنامه خانواده و پژوهش، دوره 9، ش 4.
* قادرزاده، امید (1392) آموزش و پرورش و هویت دینی و ملی مطالعه پیمایشی دانش آموزان مقطع متوسطه شهر بانه، فصلنامه مطالعات ملی، سال پانزدهم، ش 3

لقمان نیا، مهدی؛ خامسان، احمد (1389) جایگاه هویت ملی در نظام آموزش و پرورش ایران، تحقیقات فرهنگی، دوره 3، ش 2، تابستان

مطهری، مرتضی (1390) خدمات متقابل ایران و اسلام، انتشارات صدرا، چاپ ششم، تهران

* میلر، دیوید (1383) ملیت، ترجمه داوود غرایاق زندی، تهران، تمدن ایرانی
* Anderson, B. (1991) *Imagined Communities: Reflections on the Origins and Spread of Nationalism* (London: Verso).
* Anderson, R.D. (1997) *Scottish Education since the Reformation* Dundee, the Economic and Social History Society of Scotland.
* Armit, I. (2001) ‘Prehistory’ in Houston R.A. & Knox W. W. J., *The New Penguin History of Scotland London*, Penguin p.14.
* Aziz, K. K. (1993) *the Murder of History: A Critique of History Textbooks Used in Pakistan* (Lahore, Pakistan: Vanguard).
* Bechhofer, Frank; McCrone, David (2008): National identity and social inclusion, Ethnic and Racial Studies, 31 (2008), 7, pp. 1245-1266
* Carrington B. & Short G. (1996) ‘Who Counts: Who Cares? Scottish Children’s Notions of National Identity’ Educational Studies, Vol 22, No 2.
1. :Purohit [↑](#footnote-ref-1)
2. Multiple Salience Identity [↑](#footnote-ref-2)
3. Identity Theory of Emotion [↑](#footnote-ref-3)
4. Symbolic Social Interaction [↑](#footnote-ref-4)
5. توجه همزمان و متعادل [↑](#footnote-ref-5)